

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۰۹/۰۶  
تاریخ بررسی مقاله: ۸۹/۱۰/۱۱  
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۲/۰۷

مجله مشاوره کاربردی  
(علوم تربیتی و روانشناسی)  
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۸۸،  
دوره چهارم، سال ۱۶-۴، شماره ۱  
ص ۳۵-۵۴

## بررسی کفایت روان‌سنجی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر

غلامرضا رجبی\*، سیما فردوسی\*\*، مسعود شهبازی\*\*\*

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی کفایت روان‌سنجی مقیاس باورهای محدودکننده همسر بر روی دانشجویان انجام گرفته است. ۲۰۰ دانشجوی (۱۱۸ دختر و ۸۲ پسر) دانشگاه شهید چمران به صورت نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای از بین کلیه دانشجویان موجود در این دانشگاه برگزیده شدند و به مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر پاسخ دادند. تحلیل عاملی (تحلیل مؤلفه‌های اصلی) بر حسب چرخش متعامد (واریماکس) شش عامل را به دست داد. براساس یافته‌های به دست آمده ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۶۰ و عامل‌های یکم تا ششم ۰/۳۷ تا ۰/۷۸ قابل قبول‌اند و بین نمره کل و عامل‌های استخراج شده (به جز عامل پنجم) ۰/۰۶ تا ۰/۷۰ روایی همگرا دیده می‌شود. به علاوه، مشاهده شد که بین دانشجویان دختر و پسر فقط در عامل‌های هم‌خواهی و اطمینان خاطر و نه در کل مقیاس و عامل‌های دیگر تفاوت معنادار دیده می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** باورهای محدودکننده، انتخاب همسر، روان‌سنجی

---

\* دکتری روانشناسی و دانشیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) تلفکس: +۹۸۶۱۱۳۳۳۱۳۶۶ Email: rajabireza@scu.ac.ir

\*\* دکتری روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.  
\*\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان و دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز.

## مقدمه

یکی از بزرگترین تصمیم‌هایی که یک فرد در دوران زندگی‌اش می‌گیرد ازدواج است. انتخاب "فرد درست" برای ازدواج یکی از پرمخاطره‌ترین موضوعات برای افراد مجرد در کلیه کشورها است (لارسون و اولسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹). کوشش افراد بر این است که شخص صادق و درستی را برای ازدواج پیدا کنند و این رویداد می‌تواند با از دست دادن استقلال فرد همراه باشد.

فرایند انتخاب همسر اغلب برای تعدادی از جوانان دشوار به نظر می‌رسد. تعدادی از انتخاب‌ها ممکن است پیامدهایی داشته باشد که می‌تواند فضای زندگی زوج و ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد. لیدرر و جکسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) بیان می‌کنند که جوانان در عشق‌ورزی<sup>۳</sup> بی‌ملاحظه‌اند و مسائل درونی ازدواج را نادیده می‌گیرند یا آن‌ها را مورد بررسی قرار نمی‌دهند. به علاوه، تعدادی از باورها و نگرش‌های بیان شده در جامعه‌ی امریکا با ناکامی و عدم رضایت در فرایند انتخاب همسر<sup>۴</sup> مشارکت دارند (کروسبی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵). در میان این باورها، باورهای محدودکننده<sup>۶</sup> انتخاب همسر هستند (لارسون، ۱۹۹۲).

علت زیربنایی منازعه افراد انتظارات یا باورهای غیرواقعی است (کوب، لارسن و واتسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳). باورهای غیر واقعی به عنوان تفکرات یا انتظاراتی که غیرمنطقی، غیرعقلانی و با واقعیت هماهنگ نمی‌باشند تعریف می‌شوند. اگر افراد باورهای غیرواقعی را در رابطه با انتخاب همسر داشته باشند، آن‌ها در فرایند انتخاب همسر بی‌تصمیمی و ناکامی را تجربه می‌کنند (باگاروزی و ران<sup>۸</sup>، ۱۹۸۱). باورهای محدودکننده در انتخاب همسر به عنوان باورهای شخصی تعریف می‌شوند که ممکن

- 
- 1- Larson, & Olson
  - 2- Lederer, & Jackson
  - 3- courtship
  - 4- mate selection
  - 5- Crosby
  - 6- constraining beliefs
  - 7- Cobb, & Watson
  - 8- Baggaqrozzi, & Rauen

است ۱- انتخاب‌های فرد را در رابطه با چه کسی و چه موقع ازدواج می‌کند محدود نماید. ۲- تلاش فرد را برای یافتن یک جفت مناسب افزایش یا کاهش می‌دهد. ۳- بررسی اندیشمندانه ضعف‌ها و قوت‌های بین فردی و عوامل پیش از ازدواج که بر موفقیت ازدواج تأثیر می‌گذارد بازدارنده می‌کند. و ۴- مشکلات و ناکامی انتخاب همسر همیشگی و انتخاب راه‌حل‌های جایگزین را برای مشکلات محدود می‌کند (لارسون، ۲۰۰۰؛ لارسون و هولمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). مثلاً، زوج‌ها قبل از ازدواج ممکن است معتقد باشند که عشق‌شان، برای غلبه بر کلیه مشکلات کافی است، و باید به طور طبیعی منجر به ازدواج شود (مک‌گینیس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰؛ لارسون، ۱۹۹۲)، اما تعدادی از نویسندگان ایده‌ی عشق رومانتیک<sup>۳</sup> را به عنوان یک توجیه بنیادی برای ازدواج مورد انتقاد قرار داده‌اند (کروسبی، ۱۹۸۵؛ لارسن، ۲۰۰۰). این باور فرد که فقط "یک و تنها"<sup>۴</sup> یک همسر وجود دارد ممکن است او را به این واری‌های هدایت کند نه برای همراه مناسب (یکی از چند گزینه درست)، اما برای یک همراه صاف و صادق. این جستجو ممکن است او را به انتظار کورکورانه برای کاندیداهای سازگار سوق دهد (لارسن، ۱۹۹۲؛ لازاروس<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵). تعدادی از این افراد ملاک‌های بالایی را برای ازدواج در نظر می‌گیرند که دستیابی به آن‌ها غیرممکن به نظر می‌آید (لارسن، ۱۹۹۲، ۲۰۰۰).

ادبیات مربوط به باورها در روابط بیان می‌کنند که باورها با رفتارها و احساس‌ها پیوند خورده‌اند (باکوم، اپشتاین و رانکین، ۱۹۹۵؛ برادبوری و فینچام، ۱۹۹۲؛ رایت، واتسون و بل، ۱۹۹۶، برگرفته از کوب و همکاران، ۲۰۰۳). باورها شیوه‌های احساس‌مان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و پاسخ‌هایمان را به موقعیت‌ها هدایت می‌کنند، که به نوبه‌ی خود، بر رضایتی که از زندگی و روابط احساس می‌کنیم تأثیر می‌گذارد. مثلاً، افرادی که معتقدند، "باید کلاً قبل از

- 
- 1- Holman
  - 2- McGinnis
  - 3- romantic
  - 4- one and only
  - 5- Lazarus

اینکه ازدواج کنیم کامل باشیم"، ممکن است به قدری احساس بی‌کفایتی و یأس در مورد ضعف‌هایشان کنند که آن‌ها را از پیگیری سازنده برای یک همسر باز دارد.

به هر حال، درک شیوع باورهای محدودکننده (قید و بندها) درباره‌ی انتخاب همسر در میان زنان و مردان مجرد و اینکه باورها ممکن است به ویژه مساله‌ساز شوند، می‌تواند به درمانگران و مشاوران خانواده و ازدواج کمک نماید که تا به افرادی که در شرف ازدواج هستند کمک کنند تا برای ازدواج آماده شوند.

یک موضوع برجسته در ادبیات تجربی در انتخاب همسر مربوط به نقش و تأثیر باورهای شخصی در این فرایند است (لارسون، ۱۹۹۲). پژوهش‌های کمیابی در مورد شیوع باورهای محدودکننده در روابط قبل از ازدواج و روش‌هایی که درمانگران بتوانند با آن‌ها در قبل از ازدواج که چنین باورهایی را دارند مداخله نمایند وجود دارد.

لارسون (۱۹۹۲) از مطالعات ادبیات مربوط به نقش باورها در انتخاب همسر، نه باور محدودکننده که مکرراً افراد در انتخاب همسر از آن‌ها اقتباس می‌کنند شناسایی نمود.

۱- **یک و فقط یکی.** فردی با این باور معتقد است که "یک و فقط یک فرد درستکار در دنیا برای ازدواج با من ساخته شده است". این به مانند این باور است که در هر کجای دنیا هر یک از ما یک جفت همزاد<sup>۱</sup> یا "نیمه دوم" داریم" که این فردی است که ازدواج کامل می‌کند. این باور اغلب محدودکننده است، زیرا این باور نیاز به شخصی دارد که بدانم چه موقع او "یک و فقط یکی" حاضر است. چگونه این بینش صورت می‌گیرد روشن نیست. همچنین این باور ممکن است فرد را به یک انتظار منفعلانه برای فرارسیدن یک لحظه جادویی هدایت کند.

۲- **شریک کامل.**<sup>۲</sup> این باور در فرد شکل می‌گیرد، که تا زمانی که یک فرد کامل را برای ازدواج پیدا نکنم نباید ازدواج کنم. فردی که این باور دارد ممکن است تصمیم‌گیری در خصوص ازدواجش را محدود کند، زیرا هیچ فردی در هر صورت کامل نیست و ممکن است برای یافتن این فرد مدت طولانی را انتظار بکشد.

۳- **شخص کامل.**<sup>۳</sup> فردی با این باور تصور می‌کند، "تا زمانی که به عنوان یک همسر آینده از این احساس برخوردار نباشد، نباید ازدواج کند. این باور به دلایل مشابهی مانند باور

---

1- soul mate

2- The perfect partner

3- The perfect self

دوم محدودکننده است. هیچ کس همیشه کامل نیست یا کاملاً به عنوان یک همسر احساس مطمئنی ندارد. احساس آمادگی شخص مهم است، اما افراد ممکن است درباره‌ی این تصمیم تاحدی اضطراب داشته باشند.

۴- **رابطه کامل.** این باور بیان می‌کند که، باید قبل از ازدواج تأیید کنیم که رابطه‌مان پایدار و مستحکم خواهد بود. "عاقلاًنه است که به پیش‌بینی‌های مهم موفقیت زناشویی مانند ارتباط خوب، مهارت‌های حل مساله و شباهت ارزش‌ها و باورها توجه شود. همچنین، جستجوی روابط و شریک‌هایی که این مهارت‌ها و خصوصیات را پرورش می‌دهند حائز اهمیت است. بنابراین، چون موفقیت ازدواج نمی‌توان تضمین نمود، یک باور با محدودیت کمتر این است که قبل از ازدواج روشی وجود ندارد که آیا ازدواج دوام خواهد یافت یا نه.

۵- **تلاش بیشتر.**<sup>۱</sup> این باور که اگر سخت کار کنم، می‌توانم با هر فردی که برای ازدواج انتخاب می‌کنم ازدواج شاد و موفق داشته باشم. لارسن (۱۹۹۲). بیان کرد که این باور دو فرد فهمیده و بالنده را مهیا و آماده می‌کند که برای حل مسائل ازدواج با یکدیگر کار کنند.

۶- **عشق کافی است.**<sup>۲</sup> فردی با این باور ممکن است بگوید، "عشق به فرد دلیل کافی برای ازدواج کردن با آن فرد است." ارزش‌های عشق رومانئیک در جامعه‌ی غربی به عنوان یک پیش‌نیاز برای ازدواج است. در حقیقت، تعدادی از افراد با افرادی ازدواج می‌کنند که آن‌ها را دوست ندارند (سیمپسون، کمپبل و برشاید<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶). بنابراین، این گفته که عشق دلیل کافی برای ازدواج است درست نمی‌باشد و فقط یک پیش‌نیاز از میان دیگر عوامل است. در واقع، اگر عشق به عنوان ملاک اساسی و بنیادی برای ازدواج باشد، ممکن است دیگر خصوصیات شخصی و بین فردی مهم مورد ملاحظه قرار نگیرند (لارسون، ۱۹۹۲).

۷- **همخوابی.**<sup>۴</sup> این باور بیان می‌کند که "اگر همسر آینده و من قبل از ازدواج با یکدیگر باشیم، شانس مان برای یک ازدواج مسرت بخش افزایش می‌یابد." مطالعات در این مورد بیانگر این است که زوج‌هایی که قبل از ازدواج همخواب بوده‌اند بیشتر احتمال دارد که در زندگی مشترک ناراضی باشند و نسبت به زوج‌هایی که در قبل از ازدواج همخواب نبوده‌اند احتمال

---

1- try harder  
 2- love is enough  
 3- Simpson, Campbell, & Berscheid  
 4- cohabitation

بیشتری دارد که طلاق بگیرند (سلترز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). لارسون (۲۰۰۰) و وایت و کالگر<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) مشاهده کردند که همخواب‌ها نسبت به غیر همخواب‌ها در رابطه با تعهد نسبت به زندگی زناشویی مشکلاتی داشته‌اند، کمتر به دفاتر ثبت ازدواج اهمیت می‌دادند و نسبت به طلاق نگرش مثبت‌تری داشتند.

۸- متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند<sup>۳</sup>. فردی با این باور تصور می‌کند، "باید برای ازدواج فردی را انتخاب کند که ویژگی‌های شخصی‌اش مخالف با او باشد". اگرچه این باور یک ایده‌ی رایج است که دو فرد متفاوت نقاط ضعف و قوت‌های یکدیگر را تکمیل می‌کنند، مطالعات نشان می‌دهد که یکی از نیرومندترین پیش‌بین‌ها شباهت در نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و ویژگی‌های شخصیتی در موفقیت ازدواج است (لارسن و هولمن، ۱۹۹۴).

۹- انتخاب باید آسان باشد<sup>۴</sup>. این باور است که انتخاب یک همسر باید آسان باشد و اینکه انتخاب همسر یک شانس و تصادف است. بنابراین، یک فرد ممکن است معتقد باشد که انتخاب همسر چیزی است که برای او اتفاق می‌افتد، تا چیزی که فرد انجام می‌دهد. این فرد منتظر یک ملاقات شانسی می‌شود و در آغاز عشق به نظر می‌رسد بدون تفکر و تعمق دقیق، بدون آماده‌سازی یا فعالیت‌هایی که به نزدیکتر شدن هدف منجر شود، رخ می‌دهد.

کوب و همکاران (۲۰۰۳) با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی (چرخش واریماکس) بر روی ۵۲ ماده باورهای محدودکننده مربوط به ازدواج به سیزده عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک دست یافتند، که ۵۲ درصد واریانس نمره‌های مقیاس نگرش نسبت به عشق و انتخاب همسر<sup>۵</sup> تبیین می‌کنند. اما آن‌ها با استفاده از چند ملاک از قبل تعیین شده هفت عامل را پذیرفتند که رویهم ۴۸/۷ درصد واریانس ماده‌های ARMSS را تبیین می‌کنند. پنج عامل استخراج شده با پنج عامل باورهای لارسون (۱۹۹۲) از جمله "یک و فقط یکی"، "عشق کافی است"، "همخوابی"، "انتخاب باید آسان باشد" و "متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند" هماهنگی دارد. آن‌ها از هر یک از هفت عامل، چهار ماده را برای تدوین خرده مقیاس‌های ابزار

- 
- 1- Seltzer
  - 2- Waite, & Gallagher
  - 3- opposites complement
  - 4- choosing should be easy
  - 5- Attitudes about Romance and Mate Selection Scale

نهایی انتخاب نمودند. این ماده‌ها براساس چهار ملاک برگزیده شدند: ۱- ارتباط مفهومی بالا با مفهوم ویژه مورد اندازه‌گیری توسط هر عامل. ۲- نیاز برای ماده‌های منفی در ابزار نهایی. ۳- بارهای عاملی بالا که برای هر عامل بالاتر بودند. و ۴- همسانی درونی مناسب کل ماده‌های هر خرده مقیاس. کوب و همکاران (۲۰۰۳) ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس نگرش نسبت به عشق و انتخاب همسر (۳۰۲ نفر) ۰/۸۸ و برای هفت عامل از ۰/۶۴ تا ۰/۹۸ به دست آوردند. ضرایب پایایی بازآزمایی بر روی ۴۱ دانشجوی به فاصله‌ی دو هفته برای کل نمونه ۰/۹۰ و برای هفت خرده مقیاس از ۰/۵۹ تا ۰/۹۲ متغیر بود. همچنین، ضرایب روایی همزمان بین این مقیاس با مقیاس رومانیتیک (۱۵۱ نفر) در کل مقیاس ۰/۴۵ و در هفت خرده مقیاس از ۰/۰۱ تا ۰/۴۹ رابطه دیده شد و با مقیاس مطلوبیت اجتماعی در کل نمونه و در هفت خرده مقیاس همبستگی مشاهده نشده است.

اگرچه درباره‌ی شیوع این نوع از باورهای محدودکننده انتخاب همسر در میان جوانان، افراد مجرد یا درباره‌ی تأثیر آن بر روی روابط قبل از ازدواج و روابط زناشویی اطلاعات کمی مشاهده می‌شود، اما درباره‌ی باورهای رومانیتیک، عشق و روابط یافته‌هایی وجود دارد (فرازیلر و استرالی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ اسپریچر و متز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹، به نقل از کوب و همکاران، ۲۰۰۳)، که نوعاً به عنوان "محدودکننده" اشاره نشده‌اند اما حداقل با چهار باور محدودکننده از نه باور درباره‌ی انتخاب همسر همپوشی دارند (یک و فقط یکی، عشق کافی است، شریک کامل و رابطه کامل). اسپریچر و متز (۱۹۸۹) مقیاس ۱۵ ماده‌ای باورهای رومانیتیک برای ارزیابی اینکه تا چه حد پاسخ‌دهندگان معتقدند که عشق بر همه موانع غلبه می‌کند، و غیره را تدوین کردند. همچنین باورهای رومانیتیک (هرچیز جدیدی که درباره‌ی شریک یاد بگیرم برای من لذت‌بخش است، اولسون، ۱۹۹۶) در مقیاس تحریف آرمانی که برای اندازه‌گیری روابط پیش از ازدواج تهیه شده بود، گنجانده شدند.

تحقیقات اخیر عمدتاً بر ارتباط بین باورهای رومانیتیک و کیفیت زندگی بوده است (اسپریچر و متز، ۱۹۹۹؛ ماری و هولمز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ فرایزر و استرلی، ۱۹۹۰). بنابراین باید توجه کرد که این مطالعات ارزیابی می‌کنند که تا چه اندازه فرد شریک اخیرش را به صورت آرمانی

1- Frazier, & Esterly

2- Sprecher, & Metts

3- Murray, & Holmes

تصور می‌کند، در حالی که باورهای محدودکننده انتخاب همسر با این موضوع مرتبط هستند که پاسخ‌دهندگان تا چه اندازه معتقدند که شریک آینده‌شان قبل از اینکه ازدواج صورت بگیرد باید آرمانی باشد. بنابراین، باورهای محدودکننده انتخاب همسر با انتظارات برای انتخاب همسر مرتبطند تا ادراکات اخیر مربوط به یک رابطه. محدودیت دیگر استفاده از مقیاس‌های رومان‌تیک‌گرایی موجود برای ارزیابی باورهای محدودکننده انتخاب همسر این است که آن‌ها ضرورتاً مربوط به فرایند انتخاب یک شریک زناشویی نمی‌باشند، اما بیشتر باورهای مربوط به عشق هستند. در آخر، اغلب مقیاس‌های رومان‌تیک‌گرایی بر اهمیت احساس‌های عاشقانه "عشق در نگاه اول و عشق ما کامل است"، تجارب فیزیکی (تهییج یا شنگولی) و احساس‌های اسرارآمیز بودن همبسته بودند (فرازیر و استرلی، ۱۹۹۰). در مقابل، لارسن تعدادی از باورها را که نوعاً با رومان‌تیک‌گرایی (باور یک و فقط یکی یا باور عشق کافی است) و دیگر باورهایی که با رومان‌تیک‌گرایی همبسته بودند و با تجارب فیزیکی کمتر ارتباط داشتند، تهیه کرد.

هدف این مطالعه بررسی کفایت روان‌سنجی یک ابزار خود-گزارشی برای اندازه‌گیری باورهای محدودکننده (قید و بندها) درباره انتخاب همسر با استفاده از باورهای توصیف شده توسط لارسون (۱۹۹۲، ۲۰۰۰) بر روی دانشجویان دانشگاه شهید چمران بر اساس بافت فرهنگی ایرانی است. در این تحقیق به سه سؤال زیر پاسخ می‌دهیم: ۱- مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر از چند سازه تشکیل شده است؟ ۲- پایایی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر چقدر است؟ و ۳- آیا باورهای محدودکننده انتخاب همسر در بین دانشجویان دختر و پسر متفاوت است؟

## روش

### جامعه و نمونه‌گیری

این پژوهش از نوع همبستگی تحلیل واریانس-کوواریانس تحلیل عاملی است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر کلیه دانشجویان دوره‌های کارشناسی دانشگاه شهید چمران بود. ۲۰۰ دانشجو (۱۱۸ دختر (۵۹ درصد) و ۸۲ پسر (۴۱ درصد)) بر اساس نظر گیلفورد<sup>۱</sup> (۱۹۵۶) به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای از بین کلیه دانشجویان موجود در این دانشگاه

1- Guilford



برگزیده شدند. از این تعداد ۱۲۰ دانشجوی بومی (۶۷/۴ درصد) و ۵۸ دانشجوی غیربومی (۳۲/۶ درصد) بودند. همچنین میانگین و انحراف معیار سن کل دانشجویان ۲۱/۲۳ و ۱/۸۶، در دانشجویان پسر ۲۱/۵۷ و ۲/۲۳ و در دانشجویان دختر ۲۱/۰۳ و ۱/۵۳ می‌باشد.

### ابزار سنجش

برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر (لارسون، ۱۹۹۲) استفاده شد. لارسون در سه مرحله متوالی براساس مقیاس رمانتیک پیشین بر روی دانشجویان مجرد و اصلاً ازدواج نکرده در سه منطقه جغرافیایی ایالات متحده این مقیاس را تدوین کرد. این مقیاس بعد از چند نوبت تحلیل عاملی و معیارهای خاص به ۳۲ ماده تقلیل یافته است، و یک ابزار اندازه‌گیری در مورد نه باور محدودکننده در زمینه‌های مختلف ازدواج (یک و فقط یکی، شخص کامل، عشق کافی است و غیره) می‌باشد. ماده‌های این مقیاس در یک پیوستار کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵ رتبه‌بندی شده است، که پاسخ به این ماده‌ها بیانگر نگرش‌ها و باورهای شرکت‌کنندگان نسبت به عشق و انتخاب همسر است. بدین ترتیب نمره هر شرکت‌کننده در این مقیاس بر عدد ۳۲ تقسیم می‌شود که می‌تواند بین ۱ تا ۵ متغیر باشد، که نمره بالا بیانگر نگرش‌های محدودکننده نسبت به عشق و انتخاب همسر در افراد است. این مقیاس توسط نویسنده اول از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده، و از نظر معنا و واژه‌گزینی با متن اصلی مورد مقابله قرار گرفت.

### یافته‌ها

نتایج آزمون‌های شاخص کفایت نمونه‌گیری  $KMO=0/86$ <sup>۱</sup> و اندازه‌گیری کرویت بارتلت<sup>۲</sup>  $\chi^2=152/51$  ( $P < 0/0001$ ) بیانگر این هستند که داده‌ها برای تجزیه و تحلیل عاملی مناسب می‌باشند. برای تحلیل عاملی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر در آغاز از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد.

1- Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

2- Bartlett,s Test of Sphericity

پس از آن برای تشخیص عوامل بنیادی که زیر بنای مقیاس را تشکیل می‌دهند، از روش چرخش متعامد<sup>۱</sup> (واریماکس<sup>۲</sup>) استفاده شد. تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که ارزش ویژه<sup>۳</sup> عامل‌های اول تا ششم از یک بالاتر می‌باشند، که جمعاً ۴۴/۱۴ درصد واریانس ماده‌های مقیاس را تبیین می‌کنند (در این تحلیل از بارهای عاملی ۰/۵۰ به بالا استفاده شد). برای دسترسی به عامل اول ۹/۱۴٪ (همخوابی) واریانس بالاترین سهم را در تبیین مقیاس بر عهده دارد (ماده‌های ۴، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۷)؛ واریانس مشترک ۲۰/۷۰٪ می‌باشد. بارهای عاملی پرسش‌های این عامل از ۰/۸۱ تا ۰/۶۵ در نوسان است. عامل دوم با واریانس ۸/۴۱٪ "اطمینان کامل" نامیده شد؛ و با واریانس مشترک ۱۹/۰۵٪ بارهای عاملی پرسش‌های این عامل از ۰/۷۰ تا ۰/۵۳ (ماده‌های ۵، ۱۳، ۱۴، و ۲۱) در نوسان است. سومین عامل "یکی و تنها یکی" با واریانس ۷/۳۰٪ و بارهای عاملی ۰/۷۴ تا ۰/۵۶ (ماده‌های ۲ و ۲۵) با واریانس مشترک ۱۶/۵۳٪ شامل می‌شود. عامل چهارم "متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند" است، که ۷/۲۶٪ واریانس پرسش‌ها را به حساب می‌آورد، که واریانس مشترک آن ۱۶/۴۴٪ است. بارهای عاملی آن از ۰/۷۶ تا ۰/۵۹ (ماده‌های ۸، ۱۶، ۲۴ و ۳۲) به دست آمد. پنجمین عامل "آرمان‌گرایی" نامگذاری شد، که ۶/۶۵٪ واریانس پرسش‌ها را تبیین نمود؛ و واریانس مشترک آن ۱۵/۰۶٪ می‌باشد. بارهای عاملی آن از ۰/۶۷- تا ۰/۶۰- (ماده‌های ۶ و ۲۹) است. در آخر، ششمین عامل "آسانی تلاش" مطرح شد؛ که ۵/۳۶٪ واریانس پرسش‌ها را تبیین می‌کند، و واریانس مشترک آن ۱۲/۱۴٪ می‌باشد. بارهای عاملی آن از ۰/۵۳ تا ۰/۵۷ (ماده‌های ۷، ۱۷ و ۳۱) به دست آمد. این یافته‌ها به سؤال اول تحقیق پاسخ می‌دهد. در این تحلیل، ۱۲ پرسش از ۳۲ پرسش به این دلیل که بر روی شش عامل به دست آمده بار عاملی نداشتند از کل مقیاس حذف شدند (۱، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۸ و ۳۰). در کل، تعداد ماده‌های این مقیاس به ۲۰ ماده تقلیل یافت (به جدول ۱ مراجعه کنید).

برای دسترسی به تفسیر واضح‌تری از مقیاس نگرش باورهای محدودکننده انتخاب همسر، عامل‌های استخراج شده با استفاده از روش چرخش واریماکس به محورهای جدید انتقال داده شدند تا ساختار ساده آن‌ها امکان پذیر شود. ضرایب آلفای کرونباخ کل ۲۰ ماده و شش عامل استخراج شده در جدول ۲ درج شده است.

- 
- 1- Orthogonal
  - 2- Varimax
  - 3- Eigenvalue

جدول ۱. ضرایب عاملی چرخش یافته واریماکس بر روی دانشجویان (n=۲۰۰)

سؤال‌ها	عامل‌ها					
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم
۱	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۲	-	-	۰/۵۶	-	-	-
۳	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۴	۰/۷۳	-	-	-	-	-
۵	-	۰/۶۷	-	-	-	-
۶	-	-	-	-	-۰/۶۰	-
۷	-	-	-	-	-	۰/۵۳
۸	-	-	-	۰/۶۷	-	-
۹	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۱۰	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۱۱	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۱۲	۰/۵۲	-	-	-	-	-
۱۳	-	۰/۷۰	-	-	-	-
۱۴	-	۰/۵۴	-	-	-	-
۱۵	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۱۶	-	-	-	۰/۵۹	-	-
۱۷	-	-	-	-	-	۰/۵۳
۱۸	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۱۹	۰/۸۱	-	-	-	-	-
۲۰	۰/۶۵	-	-	-	-	-
۲۱	-	۰/۵۳	-	-	-	-
۲۲	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۲۳	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۲۴	-	-	-	۰/۶۵	-	-
۲۵	-	-	-	۰/۷۴	-	-
۲۶	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۲۷	۰/۷۵	-	-	-	-	-
۲۸	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۲۹	-	-	-	-	-	-۰/۶۷
۳۰	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف	حذف
۳۱	-	-	-	-	-	۰/۵۷
۳۲	-	-	-	-	-	۰/۷۶
مقادیر ویژه	۲/۹۲	۲/۶۹	۲/۳۳	۲/۳۲	۲/۱۲	۱/۷۱
درصد واریانس	۹/۱۴	۸/۴۱	۷/۳۰	۷/۲۶	۶/۶۵	۵/۳۶

جدول ۲. ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) مقیاس مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر در کل و در عامل‌های استخراج شده

کل نمونه		نمونه
آلفای کرونباخ	تعداد ماده‌ها	عامل‌ها
۰/۶۰	۲۰	کل
۰/۷۸	۵	همخواهی
۰/۶۳	۴	اطمینان کامل
۰/۵۱	۲	یکی و تنها یکی
۰/۶۷	۴	متضادهای یکدیگر را کامل می‌کنند
۰/۵۰	۲	آرمان‌گرایی
۰/۳۷	۳	آسانی تلاش

جدول ۳. میانگین‌ها و ماتریس همبستگی عوامل مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر با یکدیگر و با نمره کل

عوامل	میانگین ± انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	۲/۹۳±۰/۸۱	-					
۲	۳/۷۷±۰/۷۰	۰/۲۲*	-				
۳	۳/۰۶±۰/۹۵	۰/۰۷	۰/۱۶*	-			
۴	۲/۵۰±۰/۶۹	۰/۱۷*	-۰/۰۵	-۰/۰۹	-		
۵	۳/۱۲±۰/۹۳	-۰/۲۷	۰/۰۷	-۰/۱۶	-۰/۰۸	-	
۶	۲/۸۳±۰/۶۸	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۰۱	-
نمره کل	۳/۰۳±۰/۳۶	۰/۷۰**	۰/۵۸**	۰/۳۰**	۰/۴۳**	۰/۰۶	۰/۴۱**

\*\* p ≤ ۰/۰۰۱ \* p ≤ ۰/۰۵

همان گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر در کل نمونه ۰/۶۰، در عامل‌های اول تا ششم از ۰/۷۸ تا ۰/۳۷ متغیر است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که ضرایب همسانی درونی در عامل‌های اول تا پنجم و در کل ماده‌ها قابل قبول هستند، و نه در عامل ششم. نتایج به دست آمده از ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ پاسخگوی سؤال دوم پژوهش است.

همان‌طور که از جدول ۳ بر می‌آید، بین عامل‌های استخراج شده ششگانه به جز عامل پنجم با استفاده از چرخش متعامد (واریماکس) با نمره کل (۲۰ ماده) در سطح آماری  $P < ۰/۰۰۱$  رابطه معنی‌داری دیده می‌شود، که حاکی از روایی همگرا مقیاس است.

نتایج آزمون تی تست گروه‌های مستقل جدول ۴ نشان می‌دهد که فقط بین دانشجویان پسر و دختر در عامل‌های "همخوابی" ( $t=۴/۴۶, p \leq ۰/۰۰۰۱$ ) و "یکی و تنها یکی" ( $t=-۲/۶۸, p \leq ۰/۰۰۸$ ) تفاوت معنی‌دار آماری وجود دارد. به عبارت دیگر، در یافته اولی تفاوت به دست آمده در راستای میانگین بالاتر دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر در عامل همخوابی و در یافته دومی میانگین بالاتر به سمت دانشجویان دختر است تا دانشجویان پسر (برای اطلاعات اضافی می‌توانید به ستون سوم جدول ۴ مراجعه کنید). این یافته به سؤال سوم پژوهش پاسخ می‌دهد.

جدول ۴. مقایسه باورهای محدودکننده انتخاب همسر در بین دانشجویان پسر و دختر

عامل‌ها	جنس	شاخص‌ها	
		میانگین و انحراف معیار	مقدار t
کل مقیاس	مرد	$۳/۰۵ \pm ۰/۳۷$	۰/۶۲
	زن	$۳/۰۱ \pm ۰/۳۷$	
همخوابی	مرد	$۳/۲۲ \pm ۰/۷۶$	۴/۴۶
	زن	$۲/۷۲ \pm ۰/۷۹$	
اطمینان کامل	مرد	$۳/۶۸ \pm ۰/۷۴$	-۱/۵۱
	زن	$۳/۸۳ \pm ۰/۶۶$	
یکی و تنها یکی	مرد	$۲/۸۵ \pm ۰/۸۸$	۲/۶۸
	زن	$۳/۲۱ \pm ۰/۹۷$	
متضادها همدیگر را کامل می‌کنند	مرد	$۲/۵۳ \pm ۰/۶۷$	۰/۵۱
	زن	$۲/۴۸ \pm ۰/۷۰$	
آرمان‌گرایی	مرد	$۳ \pm ۰/۸۵$	-۱/۵۰
	زن	$۳/۲۰ \pm ۰/۹۷$	
آسانی تلاش	مرد	$۲/۷۶ \pm ۰/۵۹$	۱/۱۱
	زن	$۲/۸۷ \pm ۰/۷۴$	

## بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی کفایت روانسنجی (پایایی و روایی) مقیاس خود-گزارشی باورهای محدودکننده انتخاب همسر بود. از ۳۲ ماده مقیاس ۱۲ ماده (۱، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۸ و ۳۰) پس از تحلیل عاملی از کل ماده‌ها حذف شدند. نسخه ایرانی این مقیاس شامل ۲۰ ماده در شش خرده مقیاس است. این نسخه نهایی دقیقاً مشابه ۹ باور محدودکننده توسط لارسون (۱۹۹۲) و ۸ عامل به دست آمده کوب و همکاران (۲۰۰۳) نمی‌باشد. عامل اول این پژوهش با نام "همخوانی" با عامل همخوانی لارسون (۱۹۹۲) و با عامل اول کوب و همکاران (۲۰۰۳) به همین نام همخوان است. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چرا این عامل بیش از عامل‌های دیگر واریانس (۹/۱۴٪) نگرش نسبت به انتخاب همسر در جامعه‌ی ایرانی را تبیین می‌کند؟ آیا نگرش‌های نسل کنونی نسبت به نسل چند دهه‌ی قبل ایران برای انتخاب همسر تغییر یافته است؟ آیا صرف با هم بودن دو شریک (دختر و پسر) تضمین‌کننده یک ازدواج مطلوب و خوشحال خواهد شد؟ به نظر می‌رسد در جوامع دیگر و به ویژه در جامعه‌ی کنونی ایران دخترها و پسرهایی که در قبل از ازدواج رابطه همخوانی (هم بستری) داشته و دارند بیشتر احتمال دارد که بعد از زندگی مشترک از بودن با یکدیگر و زندگی خویش ناراضی باشند و حتی احتمال جدایی و طلاق در این افراد بیشتر است (لارسون، ۲۰۰۱؛ وایت و کالگر، ۲۰۰۰). آیا نسل امروزی جا پای فرهنگ غربی نگذاشته است؟ به نظر می‌رسد تا حدی این زنگ خطری برای خانواده‌ها و فرهنگ ایرانی باشد که بر مسئولین فرهنگی و آموزشی کشور لازم است که از الگوهای نسل‌های قدیمی که حتی قبل از ازدواج صورت یکدیگر را هم نمی‌دیدند اما تا آخر عمر در کنار هم به خوبی و خوشی زندگی می‌کردند و نسل‌هایی با اندیشه‌ها و تفکرات سالم را در جامعه ایجاد کرده‌اند استفاده نمایند. دومین عامل "اطمینان کامل از ازدواج" با عامل هفتم کوب و همکاران (۲۰۰۳) تحت همین عنوان به ویژه با ماده‌های ۵، ۱۳، ۱۴ و ۲۱ و به لحاظ مفهومی با عامل‌های شریک کامل، خود کامل و رابطه کامل لارسون (۱۹۹۲) یکی می‌باشد. اگر افرادی با این سبک تفکر پیدا شوند در بسیاری از مواقع برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب همسر دچار تردید و دودلی خواهند شد، زیرا این‌ها نه به خود و نه به شریک دیگر اطمینان ندارند و

ممکن است سال‌های عمر خود را صرف اطمینان خاطر پیدا کردن در مورد ازدواج کنند و به نتیجه‌ای هم نرسند. اما این یک باور غلط است و امروزه مشاوران ازدواج به افراد توصیه می‌کنند که داشتن مهارت‌های ارتباطی می‌تواند باعث جستجوی رابطه و در نهایت منجر به ایجاد تسلی و اطمینان خاطر هر دو طرف در یک رابطه انتخاب مناسب همسر شود. عامل سوم "فقط یکی و تنها یکی" به عامل دوم کوب و همکاران (۲۰۰۳) در ماده‌های ۲ و ۲۵ مشابه است. آیا شخص باید به این باور نادرست متوسل شود که فقط یک فرد برای زندگی مشترک او ساخته و پرداخته شده است که با او ازدواج کند؟ این باور افراد را به یک انتظار منفعل برای یک لحظه جادویی و برای قدم گذاشتن به زندگی مشترک هدایت می‌کند که ممکن است اصلاً برای آنها اتفاق نیفتد. لارسون (۱۹۹۲) معتقد بود افرادی با این باور تصور می‌کنند که در هر جای دنیا ما یک "نیمه دوم" داریم که اگر با او ازدواج کنیم نیمه دوم ما کامل می‌شود. چهارمین عامل که با نام "متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند" دقیقاً با ماده‌های عامل نامگذاری شده پنجم کوب و همکاران (۲۰۰۳) مشترک است که دقیقاً در هر دو جامعه شرکت‌کنندگان چهار ماده را تحت محتوای یکسانی پاسخ داده‌اند. همچنین با باور لارسون (۱۹۹۲) که مطرح کرده بود افرادی با این باور فکر می‌کنند که باید با فردی ازدواج کنند که ویژگی‌های مخالف با او را داشته باشد همخوانی دارد. اگرچه در جامعه این اندیشه رایج وجود دارد که دو شخص بسیار متفاوت ضعف‌ها و قوت‌های یکدیگر را کامل می‌کنند و حرف‌هایی برای یکدیگر دارند، اما ازدواج‌های موفق نشان می‌دهند که شباهت‌هایی در نگرش‌ها (شناخت، احساس و رفتار)، ارزش‌ها، باورها (چگونه می‌اندیشند، چگونه با یکدیگر برخورد می‌کنند) و ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند پیش‌بین‌های دوام زندگی زناشویی در دوران بعدی زندگی باشند. این وظیفه بر عهده مراکزی است که وظیفه‌ی آن‌ها آموزش دختران و پسران در انتخاب همسر بر اساس معیارهای عقلانی و تا حدودی عاطفی است. عامل پنجم "آرمان‌گرایی" نامگذاری شد که دو ماده‌ی ۶ و ۲۹ با ششمین عامل کوب و همکاران (۲۰۰۳) یکی است. در اینجا باید گفت که ازدواج یک فرایند عقلانی-عاطفی است و در این زمینه مشاوران و درمانگران ازدواج می‌توانند با در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی ازدواج مراجعان را در یک مسیر خوشایند و رضایت از زندگی متأهلی واقعی قرار دهند. و ششمین عامل "آسانی تلاش" نامیده شد که با عامل چهارم کوب و همکاران (۲۰۰۳) در

ماده‌های ۷، ۱۷ و ۳۱ مشابه است. اگر ازدواج را به دست تصادف و شانس و اقبال بسپاریم و هیچگونه تلاش و جستجویی عقلانی توأم با عشق و محبت را انجام ندهیم در این زمینه می‌دانیم که در این فرایند موفق نخواهیم شد. ازدواج و انتخاب همسر یک حادثه نیست بلکه یک فعالیت زیستی، اجتماعی و روان‌شناختی است که انسان‌ها را به یک زندگی هدفمند سوق می‌دهد اما با دیدگاه‌های عقلانی توأم با یک حس لطیف (جدول ۱).

در کشورهای غربی و تاحدودی در کشورهای سنتی منجمله ایران ارزش‌های عشق رومانتیک یک پیش نیاز برای ازدواج محسوب می‌شود. اما اگر انسان‌ها به این باور معتقد باشند که ازدواج‌های سنتی که بر اساس معرفی خانواده، دوستان و افراد آشنا صورت می‌گیرد همه‌اش زیر سؤال می‌رود. اما می‌توان گفت که این نوع باورها از نوع باورهای سختگیرانه است که فرد یا افراد جامعه برای خودشان ایجاد می‌کنند و بعد نمی‌توانند از این‌ها دست بردارند. چنین افرادی اگر بیش از اندازه عشق را به عنوان یک ملاک اساسی در نظر بگیرند این گونه به نظر می‌رسد که آن‌ها به عوامل دیگر از جمله ویژگی‌های بین فردی و شخصی مهم که در زندگی مشترک بسیار مهمند توجه کمتری دارند.

ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده در کل مقیاس و در شش عامل استخراج شده به جز عامل ششم از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی از همسانی متوسط و قابل قبول برخوردار بودند (جدول ۲). این شاخص‌ها تاحدودی با شاخص‌های ذکر شده توسط کوب و همکاران نزدیک است.

از ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر این است که بین نمره کل مقیاس و هشت عامل به دست آمده به جز برای عامل پنجم همبستگی مثبت و معنادار دیده شد که نشان دهنده روایی همگرا مقیاس است. این یافته بیانگر این است که محتوای عامل‌های به دست آمده با موضوع و محتوای اصلی مقیاس یعنی، باورهای محدودکننده انتخاب همسر مشابهت دارد (جدول ۳). کوب و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که بین نمره کل مقیاس و هفت عامل استخراج شده با مقیاس باورهای رومانتیک همبستگی دیده می‌شود (به جز برای عامل‌های همخوانی و متضادها یکدیگر را کامل می‌کنند) و با مقیاس مطلوبیت اجتماعی رابطه‌ای ندارد.



باورهای محدودکننده انتخاب همسر شرکت‌کنندگان زن و مرد در این نمونه نشان داد که در عامل هم‌خواهی پسران بیشتر از دختران تمایل به این نوع ارتباط قبل از ازدواج دارند و در عامل فقط یکی و تنها یکی زنان بیشتر از مردان به این باور اعتقاد دارند. اما در عامل‌های دیگر بین باورهای محدودکننده زنان و مردان در مورد انتخاب همسر تفاوت دیده نشد.

در تحقیقات بعدی محققان خانواده باید به دنبال بررسی موشکافانه این باشند که چرا پسران در قبل از ازدواج اصرار بر عامل هم‌خواهی دارند و آیا اگر با این باور وارد یک زندگی مشترک شوند تا چه حد ازدواج آن‌ها به سرانجام خواهد رسید. این باور هم در بسیاری از افراد از جمله زنان در جامعه دیده می‌شود که فقط یک شخص است که می‌توانیم با او زندگی کنیم در غیر این صورت ازدواج کردن بیهوده است. آیا زنان در یک رابطه زناشویی که می‌خواهند ایجاد کنند نسبت به مردان احساس دل‌بستگی بیشتری دارند؟ این سؤال‌ها می‌تواند برای پژوهشگران خانواده چالش‌هایی را ایجاد نماید که پاسخگوی بسیاری از سؤال‌های مبهم فرایند انتخاب همسر است.

به طور خلاصه، با توجه به اطلاعات به دست آمده در این نمونه دانشجویی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر تاحدودی می‌تواند راهگشای این باشد که بسیاری از نگرش‌ها و باورهایی که در بین جوانان در انتخاب همسر دیده می‌شود سختگیرانه و نادرست است و این ابزار می‌تواند در شناسایی باورهای محدودکننده و تشخیص این نوع از افراد در جامعه در زمینه‌های تحقیقاتی و مشاوره ازدواج مفید و سودمند باشد. همچنین، کارشناسان خانواده باید جوانان و بزرگسالان مجرد به بررسی و چالش باورهایشان نسبت به انتخاب همسر تشویق کنند. تشکیل گروه‌های پیش از ازدواج، آموزش دوره‌های آمادگی پیش از ازدواج یا تشکیل جلسات و پانل‌های بحث توسط کارشناسان در حیطه‌های مختلف علوم رفتاری می‌تواند جوانان را به خود اکتشافی، بررسی نگرش‌ها، ارزش‌ها و انتظارات مربوط به ازدواج و انتخاب همسر هدایت کند.

در تحقیقات محققان نباید از تفاوت‌های فرهنگی یا منطقه‌ای چشم‌پوشی نمایند چرا که همه‌ی افراد مجرد به روش یکسان به پرسش‌ها پاسخ نمی‌دهند. مثلاً، تعدادی از فرهنگ‌ها تأکید بیشتری به عشق روماتیک به عنوان پیش‌نیاز برای ازدواج یا به عنوان یک روش انتخاب همسر دارند و در فرهنگ دیگر به عامل‌های دیگری تأکید دارند. توصیه می‌شود که مقیاس

باورهای محدودکننده انتخاب همسر در جمعیت‌های دبیرستانی که ممکن است باورهای واقعی‌تر در مورد ازدواج و انتخاب همسر قبل از رسیدن به بلوغ داشته باشند استفاده کنیم. همچنین، بررسی تعدادی از متغیرها که ممکن است با فرایند انتخاب همسر در ارتباط باشند و بر آن تأثیر بگذارند مهم است، از جمله این متغیرها تجربه رابطه، متغیرهای شخصیتی، مرحله آشنایی، متغیرهای خاستگاه خانواده، مذهب و قومیت. ما در یک پژوهش جداگانه به دنبال دانشجویان دختر هستیم که دارای این نوع باورهای محدودکننده هستند و با یک طرح آموزشی در جهت از بین بردن باورهای نادرست و تونلی هستیم و امید داریم که با تحقیقات بیشتر در این زمینه خودمان حرف‌های جدیدتری برای گفتن در مشاوره‌های ازدواج داشته باشیم.

یافته‌های این مطالعه به جامعه دانشجویی محدود می‌شود و برای اینکه تعمیم‌پذیری یافته‌ها بیشتر شود توصیه می‌شود از جمعیت‌های غیر دانشجویی و بزرگسالان مجرد استفاده شود. توصیه دیگر این است که برای بررسی روایی سازه این مقیاس از یک ابزار معتبر در فرایند انتخاب همسر و تحلیل عامل تأییدی استفاده شود.

در آخر، از کلیه شرکت‌کنندگان که در این پژوهش شرکت داشته‌اند و نیز از مسئولین اداره‌های آموزش دانشکده‌های مختلف دانشگاه که ما را در دسترسی به شرکت‌کنندگان یاری نموده‌اند تشکر می‌کنیم.

منابع

- Baggarozzi, D. & Rauen, P. (1981). Premarital counseling: Appraisal and status. *American Journal of Family Therapy*, 9 (3), 13-20.
- Cobb, N. P., Larson, J. H., & Watson, W. L. (2003). Development of the Attitudes about Romance and Mate Selection Scale. *Family Relation*, 52, 3, 222-231.
- Crosby, J. (1985). *Reply to Myth: Perspectives on intimacy*: New York: Wily.
- Frazier, P. A., & Esterly, E. (1990). Correlates of relationship beliefs: Gender, relationship experience and relating satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 7, 331-352.
- Guilford, J. P.(1956). *Psychometric Method*. New York: MacGraw-Hill.
- Larson, J. H. (1992). "You are my one and only". Premarital counseling for unrealistic beliefs about mate selection. *American Journal of Family Therapy*, 20, 242-253.
- Larson, J. H. (2000). *Should We Stay Together? A scientifically proven method for evaluating your relationship and improving its chances for long-term success*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Larson, J. H., & Holman, T. H. (1994). Premarital predictors of marital quality and stability. *Family Relations*, 43, 228-237.
- Larson, A. S., & Olson, D. H. (1989). Predicting marital satisfaction using PREPAPRE: A replicating study. *Journal of Marriage and the Family*, 15, 311-322.
- Lazarus, A. A. (1985). *Marital Myths*. San Luis Obispo, CA: Impact.
- Lederer, W., & Jackson, D. (1968). *The mirage of marriage*. New York: W.W. Norton.
- McGinnis, A. L. (1990). *The Romance Factor*. San Francisco: Harpers.
- Murray, S. L., & Holmes, J. G. (1997). A leap of faith? Positive illusions in romantic relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 23, 586-604.
- Olson, D. H. (1996). *Counselors Manual for PREPARE/ENRICH*. Minneapolis: Life innovations.
- Seltzer, J. A. (2000). Families formed outside of marriage. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 1247-1268.

- Simpson, J. A., Campbell, B., & Bersheid, E. (1986). The association between romantic love and marriage: Kephart (1967) Twice Revisited. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 12, 3, 363-372.
- Sprecher, S., & Metts, S. (1989). Development of the "Romantic Beliefs Scale" and examination of the effects of gender and gender and gender-role orientation. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6, 387-411.
- Sprecher, S., & Metts, S. (1999). Romantic beliefs: Their influence on relationships and patterns of change over time. *Journal of Social and Personal Relationship*, 16, 834-851.
- Waite, L. J., & Gallagher, M. (2000). *The Case for Marriage: Why marriage people are happier, healthier, and better off financially*. New York: Doubleday.